

اطلاعیه گروهی از اعضای وکادریهای سابق حزب توده ایران درباره

پیوست به حزب دمکراتیک مردم ایران

هموطنان عزیز، مبارزان راه آزادی و استقلال ایران!

روند تکامل و تمیق شناخت آزمايی و انحرافات بنیادین و اصلاح ناپذیر حزب توده ایران، پس از طی يك سیر طولانی و مبارزه همجانیمای درمزمندی با انحرافات این حزب و افشاکردن اندک فاسد، بی شخصیت و آلت دست کونی آن، بطور منطقی و قانونمند به گسست قطعی بازگشت - ناپذیر گروه دیگری از مبارزان سالم تودمای از این حزب فرار ورزیده است. این روندی است که بنابه خصلت فیرقابل اصلاح انحرافات حزب توده وین-بست تاریخی کلیت سیستم و دستگاه فکری و عملی این حزب و نیز تجارب ملموس و تلخ دهها پارسا و مصلحتگرا در سال و مبارزان طی شش سال اخیر با فراز و نشیبهای آغازگریده و گمان نااماده خواهد یافت.

فروپاشی و بی اعتباری سیاسی عمومی حزب تودمبارزان و سقوط تمام عیارگردانندگان فاسد کونی آن، نالی این واقعیت نیست که این حزب در مراحل گوناگون حیات و فعالیت نزدیک به نیم قرن خود را لحظه پیدایش تاکنون دارای ویژگی ها، تمایزات و تضادهای درونی گوناگونی بوده که ارائه يك ارزیابی همه جانبه و واقعی و مبتنی از آن، بسنظور بررسیگری با رخصت ها و انحرافات متفاوت تاریخ حزب توده ایران از وظایف جنبش چه دمکراتیک کشور فرار دارد. تکاپو و اعتراض ماکه از سالها پیش علیه فساد و روج «تزویر فرصت طلبی، پرورند سازی و سرکوب شدن انسانی حاکم در سیستم حزب توده ایران در اشکال گوناگون آن» آغازگریده بود. پس از طی کردن روند زرفای تجربی شناخت و بازنگری و درس آموزی - به شکل گیری جنبش نوینی ارتقا یافت که در برخورد و نگرش به اساسی ترین مسائل فکری، سیاسی، هستیکلتی - انسانی و مبارزاتی همدوره و هم عصرجهانی در نقطه قابل اندیشه و شنش "حزب توده" قرار دارد. این در حالی است که پرورگراتیسم مزمین و سرکوب خشن تشکیلاتی هجان سختی اندیشه های منطقی و از جمله گیش حزب پرستی هقدان ابتدائی ترین قواعد دمکراسی و رضای آزاد و شوگرید مصروف حزب مانع از شکل گیری همزمان يك آلترناتیو سالم و انقلابی و دمکراتیک در برابر بن بست تاریخی حزب توده ایران گردید. - به همین دلایل به موازات تمیق شناخت و تجربه هم روند اعتراضات درون حزبی و گسست از حزب هم روند درهم آمیزی و تکوین انبثاتی فکری، سیاسی و سازمانی نیرهای سالم و مبارز جد شده از حزب خصلت تدریجی یافته و اشکلات و تنگناهای مختلفی بروز گردید. تجارب و حرکت انقلابی و شجاعانه بخش عظیمی از زرفای پیشرو ماکه از چهار سال پیش همین روند را آغاز کرده و تا بنینا تذار حزب دمکراتیک مردم ایران - علمبرفم و دشوار بی طاقت فرمای با پیگیری مزم را سنج به آن ادامه دادند. مؤید این واقعیت است.

ایران واقعیت ها و تجارب در عین حال حاکی از آن است که علیرغم تسلط انواع انحرافات و آلودگی تاریخی در سیستم حاکم بر حزب توده ایران در مصروف آن هنوز زرفا و نتایج مبارزه با روج و بقی وجود دارند که انگیزه و آرمانی جز ههای و سعادت مردم ایران در سر نداشته و بسیاری از آنها نیز جان بر سر آرمانهای مردمی خود باخته اند. ترازوی تاریخ در اینجاست که این نیرهای انقلابی و مردمی با بی خبری از انحطاط و انحرافات دستگاه سیه کار و بسته رهبری حزب و یاد در حالی که مغرورند و در کها و اندیشه های فلج کننده و دگماتیك بوده اند، حزب راستگرویی را تحقق اهداف مردمی و انسانی والای خود می پنداشتند.

رفقای که هنوز صادقانه بر نتیجه بخشی مبارزه درون حزب توده ایران باور دارند می باید به این واقعیت بیندیشند چگونه در چند سال اخیر هر فردی واجمی که با شعرا احیا و باز سازی حزب توده ایران وارد میدان شده اند و مبارزه راهی جز گسستن قطعی تشکیلاتی از این دستگاه فاسد و فلاج ناپذیر نیافته اند ؟

علت بطور ساده آن است که نظام مرکزیت پرورگراتیک حاکم بر حزب بهوشالی و فرمایشی بودن "کینه مرکزی" سرهم بندی شده در "کفرانس ملی امکان و اجازه تحول درونی دمکراتیک به حزب نمی دهد و هر کس و هر گروهی در راه مبارزه علیه این گروه گرداننده رهبری گام میگردد، هراگزین به سازش نه هسو اصولی، ساند و برپا زود در برابر مرد میوزن پذیر آن راهی جز گسستن زرفای از بوق آنان ندارد. - از همین روست که جدایی عظم نیرهای این حزب طی سالهای اخیر به تنهاتنا پیشگرمیت و سقوط تاریخی و اجتناب ناپذیر حزب توده ایران بلکه امری قانونمند و منطقی ناشی از یک ضرورت مبارزاتی است.

مانند سیم و نوبه خود و در شرایطی که حرکتان از هر حله نفی به مرحله کیفی نوینی در راه سازندگی و به سوی آینده راهگشاست، با همدادی و سازماندهی می کنیم که مسئولیت خود در پیشبرد بسیاری از خطاها و انحرافات حزب توده ایران بویژه در دوران در پیش گرفتن شی فاجعه پارسلهای ۶۱-۵۷ نیست به رژیم ارتجاعی و آزادی کشی جمهوری اسلامی را می پذیریم و در هیچگاه مرد پیروهای چه دمکرات ایران در جبران آن کوشش خواهیم کرد.

ما طی مبارزات و افشاکردن دوسال اخیر خود ه ماورد گوناگون مزمندی خود با انحرافات و ممالی حزب توده ایران را در نوشته های گوناگون و از جمله در "بیان نامتعمیرا" ۱۳۶۸ روشن کرده ایم. این ارزیابی ها عمیقاً به اثبات میرساند که نه تنها کوچکترین روزنه امید برای "نوسازی" و "احیا" حزب توده باقی نمانده بلکه بعلت ابتلا آن به انواع بیماریها هفاقه کترین اعتبار و حیثیت ملی است و ادامه حیثیت خفت بار آن هر روز ضریات بیشتری به اعتبار جنبش چه ایران در افکار عمومی وارد می کند.

به اعتقاد ما سرشناسان مجموعه انحرافات درهم تنیده حزب توده ایران را عدم استقلال سیاسی و نظری و سازمانی آن در ک و عملکرد انحرافی و حقارت بار از نظر ناسیونالیستی شکل میدهد.

این انحراف بنیادین و وقت با ر حزب توده ایران را به دستگاه بسته که در خدمت اهداف دیپلماتیک کشورهای سوسیالیستی بویژه اتحاد شوروی قرار دارد همدل کرده است. - مسئولیت این انحرافان نه تنها نتیجه عناصر بیگانه با مردم گردانندگان حزب بلکه به عهد حزب کمونیست اتحاد شوروی است که هنوز هم عامل اصلی بقا و اعتبار سیاسی آنان است. این مناسبات تا سالم ادامه همان در ک و عملکرد کمینترنی از روابط احزاب کمونیست سنتی و از جمله بقایای میراث شوم سیستم استالینی ویرزنی است که علیرغم نوسازی بنیادین در اتحاد شوروی همچنان زیاتی است و در سایه صلحت گرای های ناموجه سیاست خارجی کمونی اتحاد شوروی ادامه دارد. - بقای چنین رویایی چه در شکل و چه در محتوای رگارد مناسبات بین المللی احزاب کمونیست سنتی بزرگترین تحقیر و توهین به آرمانهای سوسیالیسم انسانی است.

جبران واقعی لطمانی که از این راه به حیثیت و اعتبار جنبش چه ایران وارد گردید در ریشه یابی و اعلام صریح آن توده مردم و جنبش و درس گیری عملی از آن در همه فعالیتها و نظری سیاسی و سازمانی امکان پذیر است.

انزون بر اینها حزب توده ایران به دلایل بنیادین گوناگون و از جمله به خاطر عملکرد گذشته و مشی کلونی اش در رابطه با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و ترک و عملکرد همدمکراتیک در برخورد به مسائل حیاتی جنبش چه و دمکراتیک ایران و همچنین به دلیل تسلط سیاست توجیه گرایانه و گریز از انتقاد از خود، تمی شدن بخش اساسی مصروف آن از نیروهای انقلابی و مردمی، فقدان هرگونه مکانیسم دمکراتیک درونی برای تحول و سالم سازی خود، در هیچیک از اتمامها و اختلاف های نیروهای چه و دمکراتیک ایران نمی تواند جایی داشته باشد. مجموعه انحرافات و آلودگی های بنیادین حزب توده، دارای پیونده درونی بوده و تحت عنوان سیستم تفکر و شیوه «حزب توده ای» در جنبش چه و دمکراتیک ایران به مظهر و سمبل وابستگی، پرورگراتیسم، حقولت ستیزی، پرورنده سازی، تضاد گفتار و کردار و به ویژه ننگاله روی و راست روی مبدل گردیده است.

مجموعه ارزیابی ها و ترک ما درباره علل و ریشه های بحران علاج ناپذیر و فروپاشنده حزب توده ایران و مومنانی آن و ضرورت برخورد هیالکتیکی به تاریخ و تضادهای نهفته در آن، اشتراک و یگانگی واحدی با ارزیابی های حزب دمکراتیک مردم ایران را به تمایش می گذارد.

بیش تو و ستیزا جزمگرائی در جنبش چه ایران: پاسخ به يك ضرورت عینی

تجارب تلخ و دشوار ما در حزب توده ایران و بازنگری به علل شکستهای سنگین جنبش کمونیستی ایران و جهان و بویژه واقعیات اسفبار و ننگ دهنده چند دهه اخیر کشورهای سوسیالیستی حاوی درسها و آموزشهای تاریخی و گرانبهای است که به بهای رنج ها و شقات هیکارهای خونباری حاصل گردیده است. در این میان جنبش کمونیستی ایران با وجود سابقه تاریخی نزدیک به يك قرن و نمونههای درخشان و کهنهبری از حماسه آفرینی ها و قهرمانی های آرمانی و صف بی باکی از جان باختگان شهید ایگنما هر آوازه و پشت سر گذاشتن نیردهای سنگین و آمیختن درد رنج و خون، بنابه دلایل شخصی همچنان با بحران پراکندگی شدید و ضعف جدی پیونده با جنبش کارگری و مردمی در ایران و وجود پیشداری های ذهنی منفی نسبت به خود در میان توده ها مواجه است. این در شرایطی است که توده های نیروم مردم ایران از انقلاب ضرورتی تاکنون با اشکال خود ویژه و گوناگون از پیکارهای خونین و سلحمانه تا نیرهای منفی و سیاسی سالت آمیز و غیر سلحمانه به تناوب و با ویژگیهای مبین هر دوران حضور داشته و بخاطر دمکراسی و آزادی، استقلال ملی و عدالت اجتماعی پیکار کرده اند. - به اعتقاد ما علل و عوامل اصلی ضعف و بحران و پراکندی شدید جنبش چه کمونیستی ایران را باید در یک رشته عوامل عینی داخلی نظیر استبداد فزین، دیکتاتوری و استیلائی سلطنتی، عقب ماندگی ساختارهای طبقاتی و عدم صراحت مرمزهای انقلابی، عوامل ذهنی نظیر تسلط بسیاری از تشورهای غلط و گمراکنده بر جنبش جهانی کمونیستی و از جمله جنبش کمونیستی ایران و رسوخ و نفوذ استبداد پادشاهی و اسلامی در خانواده و جامعه جستجو کرد. - در این میان بطور مفروضه و در درجه نخست کبهادادن و بایستی توجیهی به عوامل بنیادین دمکراسی در حیات درونی و آماجهای مبارزاتی و همچنین استقلال عمل و اندیشه در همه جوانب فعالیتها و نظری سیاسی و سازمانی و سپس تومهای سکتاریستی، خود محورینی و آیین پرستی از مهم ترین عوامل به شمار می آیند. از اینرو توجیه پیکر و همچنان به دمکراسی و استقلال عمل و اندیشه و پیکار علیه جزمگرای دگماتیسم و بازنگری علمی و انتقادی به تشورها و تجارب ۷۰ سال پراتیک سوسیالیسم - مبارزه فاعلی علیه فرهنگ کمینترنی - استالینی، منفی اندیشهها و سبک عمل های ورگشته و به بن بست رسیده ضرورت نگرش توه خلاق و دمکراتیک به واقعیات امروزی ایران و جهان را ایجاد می کند.

بیش تو حاصل جمع بندی و درس آموزی از تجارب عظیم گرانبها و خونباری و جهانی است که آرمانهای نشوده دمکراتیک، انسانی و عدالت خواهانه ضمن آن را تشکیل می دهد. - بیش تو و دمکراتیک و گسترش و تکامل همچنانچه آن در جنبش چه ایران ناشی از یک ضرورت عینی و در حقیقت پاسخ به انبوه سائلاتی است که از چندین دهه پیش در جنبش کمونیستی ایران در تفکر و عمل جزمگرایانه شجند و مکانیکی و در ارتباط با بارونشناسی و داری توده های مردم نسبت به این جنبش لاینحل مانده بود. - بی سبب نیست که این اندیشه و شش بتدریج در اکثر سازمان های چه کمونیستی ایران جوانه زده و رشد می کند و همچون دیدن روح نازمای در کالبد جنبش چه ایران هر روز تقویت می گردد.

به اعتقاد ما حزب دمکراتیک مردم ایران از ملایم داران و پیشروان این فکر و روش در جنبش چه ایران است که در تبدیل این اندیشه به سیا و سبک عمل نظری و سیاسی و سازمانی ه طی دوران کوتاهی از مراحل تکامل خود پیروزی های مهمی کسب کرده است. - بازچه به نکات فوق چکیده اعتقادات و اندیشه های ما در مورد یک رشته از اساسی -

ترین مسائل بتلابه جنبش چه کمونیستی ایران بدین قرار است :

۱- تاکید توجیه عمیق نظری و عملی به نقش و اهمیت دمکراسی در مبارزه سیاسی و طبقاتی و همچنین در مبارزه برای سوسیالیسم انسانی و دمکراتیک و ضرورت اجتناب ناپذیر و حیاتی آن برای چنین مبارزاتی از عناصر بنیادین برنامهای و مشی سیاسی جنبش چه دمکراتیک و نو ایران بشمار می آید. - بی توجیهی به این اصل تحت هر شرایط و توجیهی در حقیقت ناپذیر مگرتن تجارب هولناک همه شکست های گذشته جنبش کمونیستی ایران و نیز واقعیات اسفبار دهان گسود در کشورهای سوسیالیستی است.

در جامعه فاقد آزادی و دموکراسی نه تنها امکان رشد و اعتلا از انسانها و جامعه مسلم می‌گردد، بلکه حق حاکمیت مردم بر مردم نیز نقض می‌شود و تأمین عدالت اجتماعی و سوسیالیسم هم به مفهوم واقعی آن غیر قابل دستیابی است. در شرایط فقدان دموکراسی و استقرار سوسیالیسم ناگزیر رژیم استبدادی و تلخ‌ترین و بدترین آن کاربرد زور و سرزنش و در حقیقت پیدایش دیکتاتوری از نوع دیگر و اینبار نام پرولتاریا بنحرو خواهد شد. از اینرو بایستی از توسل به هرنوع جبر و تحمیل و گرایش به سلطه‌جویی چه در مبارزات سیاسی‌کوتی و چه در دوران کسب دموکراتیک قدرت سیاسی اجتناب کرد. سنگینی نظری و عملی و تلاش در راستی تحقق پلورالیسم سیاسی و عقیدتی و فرهنگی گسترش‌پذیرنده کنترل از پائین تمهیدات ضروری برای اعمال نقش توده‌ها در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی و مبارزه و تکمیل و تقویت قیاسی از الزامات نگرش دموکراتیک در مبارزه سیاسی و طبقاتی و نیز ساختن سوسیالیسم با سببای دموکراتیک و انسانی است. بدین‌منوال مخالفت با هرگونه دیکتاتوری ایدئولوژیک و سیستم تک حزبی تحت هر نام و عنوان و دفاع از آزادی کلیه احزاب و تشکلهای سیاسی و فرهنگی نه تنها برای امروز و در مبارزه علیه دیکتاتوری اسلامی بلکه برای فردا در مبارزه تادوران شکوفایی جامعه سوسیالیستی با سببای انسانی نیز بایستی اندیشه و روش و سیاست عمومی چه نوآیندی به شاری آید.

۲- به اعتقاد ما اولین گام در توجیه و اعتقاد به دموکراسی که خود محک و معیار در سنجش اعتقاد واقعی کمونیست‌ها به دموکراسی است، از روابط درونی خود کمونیست‌ها و حتی دموکراسی در حیات تشکیلاتی و زندگی درونی هر سازمان چه آغاز می‌گردد و بدین‌وسیله تلقی کردن تنوع افکار و امکان بیان و انتشار آزادانه اندیشه‌ها در درون و بیرون هر سازمان چه کمونیستی ضمن تأکید و توجیه به وحدت عمل آن از الزامات دموکراتیک حیات درون حزبی و لازم شادایی و مخالفت، دوام و تکامل هم‌جانیه هر سازمان چه کمونیستی است. پاسداری از دموکراسی و زندگی درون حزبی که شرط حیات جلوگیری از پیدایش کیش شخصیت، باندبازی و گروه‌گرایی است، با انتخاب بودن ارگانهای رهبری از طریق کنگره‌های دموکراتیک نویت، رهبری جمعی، تأمین حقوق اقلیت نظری، اظهار عقیده آزاد، علنییت سیاسی و نظری و انتقاد و انتقاد از خود در پیوند تنگاتنگ قرارداد می‌شود.

۳- استقلال اندیشه و عمل و حرکت از اولویت منافع مردم و زحمتکشان ایران در روابط بین‌المللی، ضمن ایجاد و گسترش شائبات برابری و رفاه و رزنده، با احاطه اندیشه نو در میان گردانهای کمونیستی جهان که هر روز در کشورهای سوسیالیستی و غیر سوسیالیستی از اندیشه‌ها و شیوه‌های محافظه‌کارانه و سلطه‌جویانه اردوی کهنه‌اندیش و سرگروه‌گرایی جهانی کمونیستی فاصله می‌گیرد، از مناصب و شرایط اصلی سلاط و اولویت انترناسیونالیستی است.

پایبندی به این اصول و خط فکری ایجاد می‌کند که چه نوآیندی و دموکراتیک ایران در تحلیل و مضمگیری صریح و علنی درباره مسائل و انحرافات و کژی‌های کشورهای سوسیالیستی و سیاست خارجی آنان در مسائل منطقه‌ای و جهانی و همچنین درباره مسائل و مشکلات و انحرافات احتمالی احزاب کمونیست در سراسر جهان یا استقلال کامل اظهار نظر کند.

در همین حال توجه به ارتقاء و تکامل هیبتی بین‌المللی در صحنه‌های مبارت از دفاع پیکر از حقوق بشر و دفاع از حقوق خلقها در همه کشورهای جهان، دفاع از منافع جهانی، دفاع از دستاوردهای انقلابی، مردمی و انسانی و فرهنگی و هنری همه خلقهای جهان و مقابله با هر نوع تبعیض و تجاوز به حقوق انسانها و همگی و جوامع بشری در سراسر نقاط جهان است، بایستی بیش از پیش در فعالیت‌های گوناگون چه دموکراتیک و نوآیندی ایران مدنظر قرار گیرد. ۴- چه نوآیندی و دموکراتیک ایران با وجود آنکه در پس‌زمینه جزئی‌گرایی و اندیشه‌های دکاتیستی و ستی‌گام‌های بزرگ و مسمی و سلطه‌ورانه و خود را از جنبه بسیاری از اندیشه‌ها و شیوه‌های محافظه‌کارانه و باندبازانه، هانیدماست ولیکن در پی افکندن اندیشه و شیوه و کردار دموکراتیک و نو در همه عرصه‌های زندگی درونی و بیرونی و متدولوزیک همچنان مراحل تکامل و نای خود را طی می‌کند. هم‌اکنون علاوه بر حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان‌ها و جریانات چه دیگری نظیر بخش اعظم و قابل ملاحظه‌ای از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بخشی از سازمان فدائی ایران و همچنین نیروهای گسترده‌ای از کمونیست‌های شرف‌دوستان و تشکلهای نیز گرایش و سنگینی‌های معینی در درون برخی دیگر از جریانات چه دموکراتیک و ملی ایران هر یک با ویژگی‌های معینی جزاوردی مانند چه نوآیندی و دموکراتیک ایران به محاسب می‌آیند. با اعتقاد ما راه‌های فکری جنبش چه ایران از حران و تفرقه در گرد و گریز شدن مناسبات درونی هر یک از گردانهای چه و گسستن از اندیشه‌های شکست خورده و ماهیتا بحران آفرین یعنی نفی دکاتیسم، حرکت از واقعیات امروزی ایران و جهان و کارگزاران قید بندهای تمسب‌آلود کلیشهای است.

اهمیت مردم ایجاد یک جنبش چه نوآیندی متحد و توانمند و مبارز در شرایط کنونی مهم مابرای سازماندهی فعال و مبتکرانه مبارزات زحمتکشان و مردم ایران و نیز تشکیل یک جبهه وسیع انقلابی دموکراتیک، آنچنان حیاتی و سرنوشت ساز است که بایستی هر چه بیشتر از مرحله مبارزه عمل در آید. تشکیل شورای متحد هائیک چه با شرکت نایندگان برابر - حقوق سازمان‌های چه ایران و نیز کارهای فرهنگی و با اعتبار نفرد با اجتناب از سکتاریسم، فرقه‌گرایی و همزیستی و با حفظ استقلال سازمانی هر یک از نیروها بر بنیاد یک کار پایه حداقل برای همکاری و اقدامات مشترک مبارزاتی شخص‌ترین راه تحقق این ضرورت است.

۵- در شرایط کنونی هیچ‌گونه نیروها و مبارزه در راه سرنوشتی رژیم ارتجاعی و آزادی‌کش اسلامی و استقرار دموکراسی و پلورالیسم سیاسی در ایران مستحکم و وظیفه همه نیروهای چه دموکراتیک و مترقی و ملی ایران است. تلاش مستقیم و هم‌جانیه به منظور تشکیل یک جبهه انقلابی دموکراتیک با شرکت همه نیروهای سیاسی و اقشار و طبقات اجتماعی مدافع این خواست یک وظیفه عاجز ناپذیر و حیاتی است. رسالت این جبهه که آلترناتیو دموکراتیک برای جایگزینی رژیم فئودالیستی اسلامی است، سازماندهی و هماهنگی مبارزات مردم ایران برای سرنوشتی رژیم اسلامی، تشکیل دولت موقت و برپایی مجلس موسسان با رعایت موازین دموکراتیک و انتخاباتی و هم‌پرسی برای تعیین رژیم جدید

و تدوین قانون اساسی وسیله نایندگان مردم است.

حزب دموکراتیک مردم ایران سنگر مشترک پیکار ما

ما بدین وسیله چکیده‌ای از درسیها و تجارب رنج‌بار خود در حزب توده ایران و نیز چگونگی برشمایی ناگامی‌ها و شکستهای جنبش کمونیستی ایران و جهان و همچنین بازنگری خود در مجموع پراخیک چند ماهه اخیر کشورهای سوسیالیستی را صادران و باختصار همراه با انتقاد از خود صریح به اطلاع جنبش می‌رسانیم.

مجموعه اندیشه‌ها و اعتقادات ما درباره انحرافات چند سوره و بی‌بسیار تاریخی حزب توده ایران و ریشه‌های آن و نیز درباره اساسی‌ترین مسائل مربوط به جنبش چه ایران و

همچنین شد لوزی نگرش به مسائل ملی و جهانی و نقش‌ها یا مجموعه دیدگاهها و خطوط فکری سیاسی و سازمانی حزب دموکراتیک مردم ایران دارای اختلاف بنیادین نیست، بلکه در حقیقت راستاهای اساسی همگونی و اشتراکات بزرگی را نمایان می‌سازد. بویژه آنکه درک و نگرش مشترک ما درباره وحدت حزبی و با درکهای کمینتری، استثنایی و شیوه‌های مرسوم "حزب تودامی" و "راه-کارگری" که نقش‌ها کوچکترین امکان واقعی برای بحث و انتشار آزادانه افکار و اختلافات و عقاید متنوع اعضای حزب قائل نیست، بلکه حتی نفس وجود تنوع افکار و اندیشه‌ها در درون حزب واحد تحت عنوان "وحدت فکری" و "نقض انضباط آهنین" و غیره جرم و گناهی نابخشودنی قلمداد می‌شود. به هیچ وجه قابل قیاس نیست.

بدینسان پیوست و درهم آمیزی هم‌جانیه و ارگانیک ما و حزب دموکراتیک مردم ایران که نزدیکترین و طبیعی‌ترین انترناسیونالیستی سیاسی و سازمانی و مطلقاً ماست نه امری تصادفی و احساسی، بلکه ناشی از یک قانونی و منطقی و طبیی و یک ضرورت مبارزاتی است.

تلاش و مبارزه هم‌جانیه و آزرزی صمیمانه ما با یانن تفرقه و تشنج در جنبش چه دموکراتیک کشور ما و از جمله شکل‌گیری هر چه بیشتر شورای متحد هائیک چه ایران است. به اعتقاد ما در شرایط کنونی درهم آمیزی این تلاش‌ها و آرزوها با حزب دموکراتیک مردم ایران در عین حال شش‌خیز و متوترترین راه در این مسیر یعنی در راه تشکیل جبهه انقلابی دموکراتیک برای سرنوشتی رژیم اسلامی و همچنین شورای متحد هائیک چه ایران است. درهم آمیختگی ما به توبه خود پاسخ خود را به این نیازهای حیاتی مبارزاتی و در حقیقت تقویت این گرایش و نگرش در جنبش چه دموکراتیک ایران است.

پیوست و ادغام ما با حزب دموکراتیک مردم ایران در عین حال پاسخ دندان شکن دیگری به توطئه‌های رنگارنگ و طب‌آلود گردانندگان منحن حزب توده و تودامی‌اندیشان سازمان اکثریت است که برای درینست قراردادان نیروهای مبارز و سالم گسته از حزب و جلوس گیری از پیدایش و رشد آلترناتیو سالم، دموکراتیک و انقلابی در برابر سیستم فکری و عملی و روش‌گسته حزب توده از هیچ کوشش فرودگذرانند.

نیروهای نوآیندی که کج‌جاده از حزب توده جزئی مهم از مجموعه نیروهای بالنده چه نوآیندی ایران را تشکیل می‌دهند که تیره و چکیده چندین دهه مبارزات سیاسی و اجتماعی و حامل تجارب ویژه و آرا‌های نو شده بخش فکری از دوسل آرکونیست‌های ایرانند. ره‌آورد‌های انقلابی و فرهنگی و سیاسی و ملی حزب دموکراتیک مردم ایران طی دوران سوسیالیستی که نوید بخش پایه‌ریزی تفکر و عمل دموکراتیک و نو در جنبش چه ایران و سیاست اصولی، سالم و انقلابی در سیر مبارزات زحمتکشان و مردم ایران و همکاری و تحکیم هیبتی در میان نیروهای چه دموکراتیک و مترقی و ملی ایران است، مبداین واقعیت است. استقبال گسترده و آید بخش از اندیشه‌ها و ارگان حزب دموکراتیک مردم ایران در جنبش چه دموکراتیک و مترقی کشور ما در مدت کوتاه و شرایطی دشوار و بحرانی و بویژه ظهور آغازین حرکت در دوران تسلط اندیشه‌های دکاتیستی در جنبش چه ایران و پیش از شروع نوسازی و گسترش کشورهای سوسیالیستی نایانگرسورت تاریخی پیدایش آن در صحنه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور ما است.

ما بر این باوریم که درک و عملکرد دموکراتیک و تأکید بر نقش تعیین‌کننده توده‌های مردم در عرصه اجتماع و توده‌های حزبی و روزندگی سیاسی و تشکیلاتی، مهم‌ترین عوامل هستند که مانع بروز خطا و انحرافات بنیادین در سیر حرکت مبارزاتی کنونی و آتی ما خواهند گردید. ما در سنگر مشترکمان حزب دموکراتیک مردم ایران بنابه تمهیدات انسانی و انقلابی خود در پیشگاه مردم از بذل هیچگونه تلاش و فداکاری در راه رهایی‌آوردن کارآزمایه آزادی انسان از قید هر گونه ستم و جهل و جزم و در راه برپایی ایرانی آزاد، آباد و شکوفای و استقرار سوسیالیسم دموکراتیک و انسانی که بروی سیم‌ترین و پیگیرترین دموکراسی و نیروهای اجتماعی و مردمی استوار است دریغ نشوایم کرد.

رفقای معترض تودامی!

در این فرصت بعنوان رفقا و هم‌زمان شاکه طی مدت‌ها و شادوش هم در توهم نتیجه‌بخشی مبارزه علیه سیستم کهنه و تفکر ضد دموکراتیک حاکم بر حزب توده ایران مبارزه کردیم، هرانه تأکید می‌کنیم که امید بستن به امکان ایجاد یک تحول واقعی و بنیادی در سیستم وابسته‌ترین رسیدن کنونی حزب توده ایران سراسری نیست. ما از شاد و بگر رفتاری نوآیندی و مبارز جاده‌اشد از حزب توده ایران صمیمانه و برادرانه دعوت می‌کنیم که با کارگزاران فاطمانه هرگونه توهم و تردید بطرف فردی و گروهی به صفوف حزب دموکراتیک مردم ایران پیوسته و انرژی و توان خود را در راه برپایی آرمان‌های نو شده و دموکراتیک جنبش نورسته، انسانی و حقیقت‌جویی چه ایران بکار آورید.

بی‌تردید نهای‌های نوشکفته و شادایی که هم‌اکنون در هر سراز درون مرزهای میهن استبداد زده ما ناخانی نقاط بیرون مرزها جوانه زده‌اند، بر سرتیازها و واقعیات زندگی جامعه و جهان ما در صحنه‌های چون جنگلی آتیه سرخوآند افزایش و در فضای آکنده از نفس‌های بیماری و شورانگیزه رخ‌های انجماد تاریک اندیشی و استبداد در همه اشکال بروز آن را دود خواهند کرد.

گروهی از اعضا و کارکنان سابق حزب توده ایران

انتشارات حزب دموکراتیک مردم ایران